

بسم الله الرحمن الرحيم

کارگاه مرور دروس سطوح عالی حوزه علمیه امام کاظم علیه السلام

جزوه خلاصه رسائل ۳ نیمسال دوم

تدریس شده توسط استاد شهاب الدین علایی نژاد زید عزه

تقریر و تلخیص : علی اسدی پور

❖ استفاده از این جزوه رایگان است ، فقط تعجیل در فرج آقا صاحب الزمان صلوات بفرستید.

شاید بتوان گفت که کتاب رسائل تنها کتاب اصولی است که علاوه بر مطرح کردن بحث های اصولی ، ثمره های فقهی آن بحث ها را نیز مطرح کرده.

شیخ انصاری رحمه الله در کتاب رسائل ، سه رساله دارد :

۱-رسالة القطع

۲-رسالة الظن

۳-رسالة الشك.

توضیحات رسالة القطع و رسالة الظن در رسائل ۱ و ۲ گذشت و در رسائل ۳ می خواهیم وارد رسالة الشك بشویم و توضیحات بخشی از آن را بخوانیم.

شیخ انصاری رحمه الله در رسالة الشك ، سه بحث را مطرح میکند :

۱-مقام اول : شك بدون در نظر گرفتن حالت سابقه

۲-مقام دوم : شك با در نظر گرفتن حالت سابقه : استصحاب

۳-خاتمه : تعادل و ترجیح.

شک بدون لحاظ کردن حالت سابقه ، تقسیم میشود به :

۱-شک در تکلیف

۲-شک در مکلف^۸ به

۳-خاتمه : قواعد عمل به اصول.

شک در تکلیف ، سه حالت دارد :

۱-شبهه ی تحریمیه : شک بین حرام و غیر واجب.

۲-شبهه ی وجوبیه : شک بین واجب و غیر حرام.

۳-دوران بین محضورین.

شیخ انصاری رحمه الله هر کدام از سه حالت فوق را در چهار مسئله ی ۱-شبهات حکمیه ناشی از فقدان نص ۲-شبهات حکمیه ناشی از اجمال نص ۳-شبهات حکمیه ناشی از تعارض نصین ۴-شبهات موضوعیه ، بررسی کردند که در رسائل ۲ گذشت.

شیخ انصاری رحمه الله در رسائل ۳ نیمسال دوم ، وارد بحث شک در مکلف^۹ به میشود و آن را تحت عنوان مطلب الثانی بیان میکند.

مطلب الثانی : شبهه ی وجوبیه ی شک در مکلف^۹ به

مکلف در این شبهه ، به حکم و نوع تکلیف یعنی وجوب علم دارد و در واجب شک دارد ؛ مثلاً میدانیم که نمازی به گردنمان واجب است اما نمیدانیم که این نماز واجب ، آیا نمازِ ظهر است یا جمعه.

در اینجا ما در سه حالت بحث داریم :

۱- دوران بین متباینین

۲- دوران بین اقل و اکثر

۳- دوران بین محضورین.

دوران بین متباینین و دوران بین اقل و اکثر ، خیلی به هم نزدیک هستند و اگر کسی بخواهد برای امتحان بخواند ، بهتر است بیشتر وقتش را بگذارد روی همین دوران بین متباینین با چهار تا مسئله و تنبیهاتش ، و دوران بین اقل و اکثر با چهار تا مسئله و تنبیهاتش.

مثال دوران بین متباینین : در زمان غیبت ، میدانیم نمازِ ظهر واجب است یا نمازِ جمعه؟ یا به جایی رسیده ایم ، میدانیم نمازمان ، نمازِ قصر است یا نمازِ اتمام؟

در دوران بین متباینین ، ما چهار تا مسئله داریم :

۱- مسئله ی اول : فقدانِ نص : من نَمیدانم که در زمانِ غیبت ، نمازِ ظهر به گردنم واجب است یا نمازِ جمعه ، و منشأ این شک ، فقدانِ نص است یعنی علتِ شکِ من این است که نصی ندارم که دقیقاً برای من این مطلب را روشن و معین کند.

شیخ انصاری رحمه الله در اینجا قائل به احتیاط میشود و میگوید احتیاط واجب است.

پس مُختارِ خودِ شیخ انصاری رحمه الله در اینجا احتیاط است اما مخالفِ شیخ انصاری رحمه الله در اینجا قائل به براءت میشود.

شیخ انصاری رحمه الله در بیانِ دلیلِ مُختارش یعنی احتیاط ، دو چیز را مطرح میکند :

۱- حکمِ مخالفتِ قطعیه

۲- حکمِ موافقتِ قطعیه.

حکمِ مخالفتِ قطعیه :

اگر کسی حکمِ وجوب را میدانَد اما نمیدانَد که مکلفٌ به ، نمازِ جمعه است یا نمازِ ظهر ، در اینجا شیخ انصاری رحمه الله میگوید مبدا کارِ کنی که مخالفتِ قطعیه با آن حکمِ وجوبی پیش بیاید یعنی هیچ یک از نمازِ جمعه و نمازِ ظهر را نخوانی. این مطلب را همه قبول دارند. محلِ بحثِ ما این

است که حال که مخالفتِ قطعیّه بالاجماع حرام است ، آیا دلیلی داریم که در اطرافِ احتمال در علمِ اجمالی ، کاری کنیم که یقین پیدا کنیم حتماً موافقتِ قطعیّه حاصل شده؟

این سخن که گفتیم همه قبول دارند که مخالفتِ قطعیّه حرام است ، این سخن در بعضی موارد هست مثل همین نمازِ جمعه و نمازِ ظهر که همه میگویند نمیشود هر دو را ترک کرد که در اینجا دیگر مشخص است که مخالفتِ قطعیّه حرام است. اما در بعضی مواردِ دیگر ، اجماع بر حرمتِ مخالفتِ قطعیّه و ترکِ هر دو طرف نداریم که در این موارد میرزای قمی و علامه ی خوانساری میگویند مخالفتِ قطعیّه حرام نیست و جایز است ؛ اما شیخ انصاری رحمه الله و مشهور میگویند در اینجا نیز مخالفتِ قطعیّه حرام است. (خلاصه : میرزای قمی و علامه ی خوانساری میگویند اگر در موردی ما اجماع بر حرمتِ مخالفتِ قطعیّه داشتیم ، مخالفتِ قطعیّه حرام است و الا جایز است ؛ اما شیخ انصاری رحمه الله و مشهور میگویند مخالفتِ قطعیّه حرام است چه در آن مورد ما اجماع بر حرمتِ مخالفتِ قطعیّه داشته باشیم و چه اجماع نداشته باشیم).

حکمِ موافقتِ قطعیّه :

شیخ انصاری رحمه الله میگوید احتیاط واجب است.

میرزای قمی رحمه الله میگوید احتیاط واجب نیست.

منظورِ میرزای قمی ، آن موردی است که ما اجماع بر حرمتِ مخالفتِ قطعیهِ و ترکِ هر دو طرف نداریم که در اینجا میرزای قمی میگوید موافقتِ قطعیهِ و احتیاط لازم نیست بلکه در اینجا یک طرف را میتوانی انجام دهی و همین کفایت میکند.

مثلاً فرض کنید در جایی گیر افتاده ایم و نمیدانیم نمازِمان کامل است یا شکسته ، شیخ انصاری رحمه الله میگوید احتیاط کن و هم کامل بخوان و هم شکسته تا موافقتِ قطعیهِ کرده باشی ، اما میرزای قمی میگوید همین که مخالفتِ قطعیهِ نکنی و یکی از این دو (کامل یا شکسته) را بخوانی ، کفایت میکند.

دلیلِ شیخ انصاری رحمه الله برای احتیاط :

مقتضی احتیاط کردن موجود است چون دورانِ بینِ متباینین است و میشود با هم جمعشان کرد و مانندِ محضورین نیست که نشود با هم جمعشان کرد. درواقع شیخ انصاری رحمه الله برای اثباتِ مدّعی خود مبنی بر احتیاط ، معتقد است که مقتضی احتیاط که همان وجودِ واجبِ واقعی است ، بر ذمه ی مکلف آمده و اشتغالِ یقینی به آن ، مستدعی فراغِ یقینی است که در اینجا برای اینکه ما به فراغِ یقینی برسیم ، باید هر دو را انجام دهیم چون اینجا متباینین است و جمعِ هر دو ممکن میباشد. و از طرفِ دیگر مانع هم در اینجا مفقود است.

ممکن است کسی بگوید مانع در اینجا مفقود نیست بلکه برای احتیاط کردن در اینجا مانع وجود دارد و آن مانع این است که درست است که میتوان هر دو نماز را خواند اما مانع این است که قبیح است عقابِ بلا بیان ؛ پس وقتی ما فقط نسبت به حکمِ وجوب ، بیان داریم اما نسبت به اینکه نمازِ

کامل واجب است یا نماز شکسته ، بیان نداریم ، پس من هرکدام از این دو را که انجام دهم ، نسبت به ترک دیگری عقاب و مؤاخذه نمیشوم چون برای آن بیانی نداریم ؛ در نتیجه این جهل تفصیلی من که نمیدانم نماز کامل واجب است یا نماز شکسته ، همین جهل تفصیلی من مانع احتیاط میباشد بخاطر قُبْحِ عقابِ بلا بیان.

شیخ انصاری رحمه الله میگوید اگر مانع را جهل تفصیلی و قاعده ی قُبْحِ عقابِ بلا بیان بدانیم ، این نمیتواند مانع باشد زیرا اولاً جهل تفصیلی ، عقلاً و شرعاً مانع وجوب احتیاط نیست ، ثانیاً علم اجمالی که ما در اینجا داریم ، خودش بیان است پس مؤاخذه ی مولا در ترک اطراف این احتمال ، مؤاخذه ی بدون بیان نیست ، ثالثاً جهل تفصیلی ، موجب عجزِ عملی مکلف نخواهد بود (یعنی اینکه نمیدانی دقیق باید کدام را انجام بدهی ، مانع نمیشود که شما نتوانی هر دو را انجام بدهی) ، رابعاً علم اجمالی مانع از توجه تکلیف به مکلف نیست زیرا احکام مشترک بین عالم و جاهل است ؛ ضمن اینکه از نظر نقلی هم دلیلی بر منع احتیاط نداریم.

ان قُلْتُ :

آیا در اینجا ادله ی براءت را میتوانیم جاری کنیم تا احتیاط برداشته شود؟

قُلْتُ :

خیر ؛ زیرا مجرای ادله ی براءت ، شک بدوی و شک در اصل جعل حکم است ، درحالیکه محل بحث ما شک در مکلف به می باشد و لذا تمسک به ادله ی براءت در شک در مکلف به ، مستلزم مخالفت قطعی است و این قابل قبول نیست.

ادله ی قائلین به براءت :

۱- دلیل اول : علم اجمالی ، علت تامه ی وجوب موافقت قطعی نیست زیرا مواردی را شارع اجازه داده که موافقت قطعی در آن واجب نشده.

پاسخ شیخ انصاری رحمه الله به دلیل اول : علم در هر حالی حجت است چه اجمالی باشد و چه تفصیلی و در اصل تنجز تکلیف تفاوتی ندارد ؛ و اگر مانعی نداشته باشد ، علم اجمالی همیشه مؤثر است ؛ و اینکه شما میگویید در مواردی شارع اجازه داده که ما به یک طرف اکتفا کنیم ، این بخاطر این است که شرع مقدس یکی از اطراف را به حسب ظاهر ، بدل از واجب واقعی گرفته.

۲-دلیل دوم : مفادِ اخبارِ برائتِ مثلِ حدیثِ رفعِ : صغری : من نسبت به نمازِ ظهر و نسبت به نمازِ جمعه علمِ تفصیلی ندارم یعنی میشود از مصادیقِ ما لا یعلمون. کبری : کُلُّ ما لا یعلمون فهو مرفوعٌ عَنْ الْمَكْلَفِ به دلیلِ اخبار و ادله ی برائت. نتیجه : پس این نمازِ ظهر و نمازِ جمعه از من برداشته شده و اگر ترکش کردم ، مولا حقِ مؤاخذه ی من را ندارد. اما برای اینکه گرفتارِ مخالفتِ قطعیهِ نشویم ، یکی را میخوانیم و نسبت به دیگری برائت جاری میکنیم.

پاسخِ شیخِ انصاری رحمه الله به دلیلِ دوم : این حرفِ شما مستلزمِ ترجیحِ بلا مرجح است یعنی شما اگر نمازِ ظهر را بخوانید تا گرفتارِ مخالفتِ قطعیهِ نشوید ، نمازِ ظهر را بر نمازِ جمعه ترجیحِ بلا مرجح داده اید ، و اگر نمازِ جمعه را بخوانید تا گرفتارِ مخالفتِ قطعیهِ نشوید ، نمازِ جمعه را بر نمازِ ظهر ترجیحِ بلا مرجح داده اید. ممکن است گفته شود مطالبه ی مولا از من در این هنگامِ احدهمای لاعمین است. در پاسخ میگوییم این احدهمای لاعمین یک مفهومِ ذهنی است و ما در خارجِ احدهما نداریم بلکه در خارجِ یا نمازِ ظهر داریم یا نمازِ جمعه.

۳-دلیل سوم : چون احتیاط در عبادات و اُمورِ تعبّدی با قصدِ قربت منافات دارد ؛ شما میدانید که مولا یک نماز را از شما خواسته ، حال وقتی شما نمازِ ظهر را به قصدِ قربت و امتثالِ امرِ مولا خواندید ، دیگر نمازِ جمعه را به چه قصدی میخواهید بخوانید؟ اگر نمازِ جمعه را هم به قصدِ قربت بخوانید ، این میشود تشریع و بدعت که حرام است.

پاسخِ شیخِ انصاری رحمه الله به دلیلِ سوم : دو راه برای قصدِ قربت :

۱- راه اول این است که به حکم عقل و قاعده ی اشتغال ، ظاهراً هر دو طرف واجب است لذا قصدِ جزمی به تبع این ظاهر ، برای هر دو طرف اشکالی ندارد.

اشکالِ خودِ شیخِ انصاری رحمه الله به راه اول : اولاً هدف از امتثال در عبادت ، انجامِ عبادتِ واقعی است نه ظاهری ؛ ثانیاً این عبادتِ ظاهری و مقدّمی ، به حکم عقل است نه تعبدِ شرعی و این درحالیست که ما در عبادت ، تعبدِ شرعی می‌خواهیم.

۲- راه دوم این است که برای نماز اول ، من قصدِ قربت می‌کنم که آن نمازِ واقعی را انجام دهم در قالبِ این نمازی که می‌خوانم یا نمازِ بعدی ؛ و برای نماز دوم ، من قصدِ قربت می‌کنم که آن نمازِ واقعی را انجام دهم در قالبِ این نمازی که می‌خوانم یا نمازِ قبلی ؛ یعنی برای هر دو نماز قصدِ قربت نمی‌کنم بلکه می‌گویم خدایا از من یک تکلیفی خواستی ، من نمیدانم دقیق کدام است ، این دو تا را که می‌خوانم ، هر کدام بوده خودت ذمه ی من را بری کن.

صاحبِ قوانین یعنی میرزا میگوید احتیاط واجب نیست چون احتیاط در اینجا مستلزمِ تکلیف به مُجَمَّل و مجهول است ، و تکلیف به مُجَمَّل مستلزمِ تأخیرِ بیان از موضعِ حاجت است و تأخیرِ بیان از موضعِ حاجت هم قبیح است.

شیخِ انصاری رحمه الله در پاسخ به میرزا رحمه الله میگوید تأخیرِ بیان از موضعِ حاجت قبیح است اما این قُبَح وقتی تحقق پیدا میکند که خودِ شارع ، باعث و بانیش باشد ، درحالیکه در اینجا این اجمالی که وجود دارد ، شارع باعث و بانیش نیست بلکه باعث و بانیش راوی ها هستند که درست حواسشان را جمع نکردند که حکمِ شرعی را برای ما بیان کنند ؛ اینگونه نبوده که خودِ شارع عمداً بیانش را تأخیر بیاندازد ، بلکه شارع به جا و به موقع گفته اما راوی ها آن را به ما نرسانده اند.

محقق خوانساری سه مطلب دارد :

۱-مطلب اول : احتیاط فقط در جایی است که علم تفصیلی به حکم باشد و فقط از ناحیه ی موضوع اجمال داشته باشیم ، در اینجا احتیاط واجب است به دلیل اینکه اشتغالِ یقینی یستدعی الفراغِ یقینی ؛ مثلاً میخواهی روزه بگیری ، الآن نمیدانی اذان گفته یا نه ، در اینجا باید احتیاط کنی و کمی صبر کنی تا یقین پیدا کنی.

۲-مطلب دوم : خودِ حکمِ الهی ، عالماً و عامداً از طرفِ خدا ، مُجَمَل بیان شده باشد تا تو مجبور شوی احتیاطاً هر دو را انجام دهی ؛ در اینجا هم باید احتیاط کرد.

۳-مطلب سوم : اگر علم اجمالی عرضی باشد یعنی ناشی از فقدانِ نص یا تعارضِ نصّین باشد ، علم اجمالی بی تأثیر است ولی چون مخالفتِ قطعیّه حرام است ، فقط میتوانیم بگوییم احتیاط واجب نیست.

گفتیم در دورانِ بینِ متباینین ، ما چهار تا مسئله داریم :

۱-مسئله ی اول : فقدانِ نص بود که توضیحاتش گذشت.

۲-مسئله ی دوم : اجمالِ نص : حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی ؛ این نص مُجَمَل است چون نمیدانیم این صلاة الوسطی چیست؟ ظهر است یا جمعه؟ صبح است یا عصر؟

شیخ انصاری رحمه الله میگوید در اینجا هم احتیاط واجب است.

صاحبِ قوانین رحمه الله یعنی میرزا میگوید در این مسئله احتیاط واجب نیست.

محقق خوانساری رحمه الله میگوید ما در عبادات تنها در محدوده ی آن دسته از اجزاء و شرایطی که به ادله ی معتبر به اثبات رسیده ، مکلفیم و نسبت به مازاد آن تکلیفی نداریم و درموردِ صلاه الوسطی ، اگر یقین به وجوبِ واجبِ مردّد داشته باشیم ، در اینجا برای تحصیلِ بَرَاءتِ یقینی (یا همان فراغتِ یقینی) ، احتیاط لازم است.

شیخ انصاری رحمه الله میگوید مسئله ی اجمالِ نص هم مانند فقدانِ نص است زیرا وقتی نص اجمال دارد و کاربردی ندارد پس درواقع انگار نص نداریم ؛ درنتیجه در مسئله ی اجمالِ نص هم قائل به احتیاط میشویم به همان دلیلی که در مسئله ی فقدانِ نص قائل به احتیاط شدیم.

۳-مسئله ی سوم : تعارضِ نصّین : مسافرتِ چهار فرسخی که یک دلیل به ما میگوید نماز قصر است و یک دلیل میگوید اتمام ؛ این میشود تعارض.

مشهورِ فقهاء در تعارضِ نصّین قائل به تخییرند به مقتضای احکامِ بابِ تعارض ، و اخبارِ تخییر در اینجا با اخبارِ احتیاط معارض نیستند زیرا شکِ ما در مکلفٌ به است در فرضِ تباین که هیچکدام موافق با احتیاط نیستند.

شیخ انصاری رحمه الله میگوید اگر هم گفته شود چون مفادِ اخبارِ احتیاط ، دستورِ کُلّی نسبت به احتیاط دارد و در اینجا احتیاط به معنای انجامِ هر دو طرفِ احتمال است و لذا از این جهت معارض دارد ، در پاسخ میگوییم اخبارِ احتیاط سنداً و دلالتاً قدرتِ مقابله با اخبارِ تخییر را ندارند.

پس شیخ انصاری رحمه الله در اینجا قائل به تخییر میشوند.

۴-مسئله ی چهارم : شبهه ی موضوعیه : ما علم اجمالی داریم که نمازی اَزمان قضا شده ولی نمیدانیم آیا نمازِ ظهر است یا عصر؟ یعنی حکمِ اقضِ ما فات برای من روشن است ، اینکه من نمازی ازم قضا شده هم روشن است ، ولی اشتباه در موضوعِ خارجی دارم یعنی نمیدانم نمازی که نخواندم ، نمازِ ظهر بود یا نمازِ عصر.

شیخ انصاری رحمه الله میگوید در اینجا احتیاط واجب است به همان ادله ای که در مسائلِ قبلی گفتیم که آن ادله این بود که علم اجمالی ما منجز است ، مخالفتِ قطعی حرام است یعنی نمیتوانم بگویم هیچ نمازِ قضایی نمیخوانم ، و موافقتِ قطعی هم واجب است.

میرزای قمی میگوید در اینجا احتیاط واجب نیست بخاطر اینکه تکلیفِ مُجمل مستلزم تأخیرِ بیان از موضعِ حاجت است.

شیخ انصاری رحمه الله حرفِ میرزای قمی رحمه الله را رد کرده و میگوید این دلیل ، مخصوصاً در شبهاتِ موضوعیه ، مردود است زیرا در شبهاتِ موضوعیه ، خطابِ صادر شده ی از مولا ، بی ابهام و کاملاً تفصیلی میباشد و جهتِ اشتباه ، موضوعِ خارجی است ، و همیشه منشأ این اشتباهات در موضوعِ خارجی ، برمیگردد به فراموشی و غفلتِ خودِ مکلف یعنی مشکل از مکلف است که حواسِ درست و حسابی ندارد و نمیداند کدام نمازش قضا شده و الا شارع گفته نمازِ ظهرت را بخوان ، نمازِ عصرت را بخوان ، اگر هم قضا شد ، اقضِ ما فات.

ضمن اینکه اتفاقاً در روایات و فتاوی فقہی هم در اینجا دستور به احتیاط داده اند و حتی تعلیل در این روایات هم این است که احتیاط موجب یقین به فراغت ذمه است.

تنبيهات بحث متباينين

تنبيه اول : تردد در شرط واجب در شبهه ی موضوعيه

شيخ انصاری رحمه الله وقتی از الفاظی مثل تردد و اشتباه استفاده میکند ، منظورش علم اجمالی است.

دو صورت از تردد در شبهه ی موضوعيه قابل فرض است :

۱- تردد در ذات واجب ؛ مثال : تردد بين اینکه نماز چهار رکعتی از من فوت شده یا نماز سه رکعتی ؛ در اینجا احتیاط واجب است.

۲- تردد در شرط واجب ؛ مثال : تردد در جهت قبله ؛ شيخ انصاری رحمه الله میگوید خوب است این بحث را اینگونه طرح کنیم که آیا شرایط واجب در صورت جهل تفصیلی از شرطیت ساقط است یا نه؟ مثلاً اگر کسی ندانست قبله کدام طرف است ، آیا میتوانیم بگوییم تو که نمیدانی قبله کدام طرف است ، اصلاً کار به قبله نداشته باش یعنی شرط استقبال قبله برای صلاه ازت برداشته شده.

اگر پاسخ شیخ انصاری رحمه الله به این سؤال این باشد که خیر ساقط نیست بلکه شرطیت همچنان باقی است ؛ در صورت بقاء چنین شرط مجملی از نظر شیخ انصاری رحمه الله ، پس بین شیخ انصاری رحمه الله و میرزای قمی رحمه الله اختلاف وجود دارد زیرا میرزای قمی پاسخش به آن سؤال این است که بله ساقط است و شرطیت همچنان باقی نیست.

شیخ انصاری رحمه الله میگوید در این شرط هم مثل خود واجب ، باید احتیاط کنیم ؛ یعنی وقتی نمیدانیم قبله کدام طرف است ، باید به چهار جهت نماز بخوانیم.

میرزای قمی میگوید وقتی نمیدانی که شرط چی هست ، اصلاً آن شرط از گردنت برداشته میشود ؛ مثلاً وقتی نمیدانی که قبله کدام طرف است ، یک نمازی را بخوان به هر طرف که دلت خواست.

شروط واجب بر دو قسم است :

- ۱- شروط واقعی ؛ مثل طهارت که با صرف نظر از علم و جهل مکلف ، شرط صحت نماز است.
- ۲- شروط ذکریه و علمیه ؛ مثل اباحه ی مکان مصلی که در صورت علم تفصیلی ، شرطیت دارد.

بعضی از شروط مانند استقبال قبله ، اختلافی است و لذا عده ای مانند صاحب سرائر یعنی ابن ادریس حلی معتقدند این از شروط علمیه است ، بنابراین در صورت علم تفصیلی ، واجب است لحاظ شود ؛ یعنی اگر میدانی قبله حتماً کدام طرف است ، واجب است به آن طرف نماز بخوانی ولی اگر نمیدانی قبله کدام طرف است ، خواندن نماز به سمت قبله از ذمه ی شما برداشته میشود.

ادله ی ابنِ ادریس :

۱- دلیلِ اولِ ابنِ ادریس : ادّعی انصرافِ ادله ی شروط به علمِ تفصیلی.

نقدِ شیخِ انصاری رحمه الله به دلیلِ اولِ ابنِ ادریس رحمه الله : لازمه ی این قولِ اختصاصِ احکام به عالمِ به احکام است ، درحالیکه احکامِ مشترکِ بینِ عالمِ و جاهل است ، زیرا اگر بگوییم احکام مختص به عالم است ، دور پیش می آید. ضمنِ اینکه انصرافِ منشأ میخواید و ما در اینجا منشأ انصراف به علمِ تفصیلی نداریم.

۲- دلیلِ دومِ ابنِ ادریس : ملاحظه ی احتیاط ؛ یعنی انجامِ احتیاطِ مستلزمِ تقویّتِ شروطِ دیگری است مثلاً اگر در چهار جهت بخواند نماز بخواند ، در شروطِ دیگر مثل قصدِ وجه یا قصدِ قُربت دچار مشکل میشویم.

نقدِ شیخِ انصاری رحمه الله به دلیلِ دومِ ابنِ ادریس رحمه الله : در اینگونه موارد باید قصدِ جزمی را رها کنیم یعنی هر طرف که نماز میخوانیم ، نگوئیم جازماً این طرف قبله است ؛ بلکه باید بگوییم این نماز و آن سه نمازِ دیگر که به جهت های دیگر میخوانم ، هرکدام که رو به قبله است را خدا یا ازم قبول کُن.

خلاصه ی نظرِ شیخِ انصاری رحمه الله در تنبیهِ اول :

شیخ معتقد است شروطی مانند سائریتِ عورت و استقبالِ قبله ، شرطِ واقعی است و لذا در همه ی حالات باید لحاظ شود ؛ یعنی در صورتِ علمِ اجمالی ساقط نمیشود و احتیاطاً باید احراز شود.

تنبيه دوم : نحوه ی نیت در نماز های متعدّد احتیاطی

شیخ انصاری رحمه الله میگوید در جاهایی که احتیاطاً چند تا نماز باید بخوانیم ، نباید بطورِ جزمی نیت کنیم بلکه باید بدون اینکه نمازی را معین کنیم ، اینگونه نیت کنیم که این نماز یا نماز بعدی ، هرکدام که درست است ، خدایا همان را از من بپذیر.

تنبيه سوم : نحوه ی وجوب در موارد احتیاط

در فرضِ وجوبِ احتیاط ، اگر یک کسی به چهار طرف احتیاطاً نماز خواند ، آیا هر یک از این نماز ها جداگانه امرِ مولوی صلّ دارد؟ یا اینکه عقل بهش میگوید که به چهار جهت بخوان تا آن یک امرِ مولوی تحقق پیدا کند؟

شیخ انصاری رحمه الله میگوید این وجوب ، وجوبِ عقلیِ ارشادی هست چون وجوبِ آن به حکمِ عقل است یعنی عقل به چنین وجوبی حکم میکند ؛ وقتی شد به حکمِ عقل ، از بابِ مقدمه ی علمیه و قاعده ی اشتغالِ یقینی باید انجام بدهیم.

مقدمه ی علمیه این بود که میگفتیم وقتی میخواهی وضو بگیری ، از یک ذره بالاتر بشور تا علم پیدا کنی که تمام محدوده شسته شده ؛ حال در اینجا هم میگوییم به چهار جهت بخوان تا علم پیدا کنی که نماز را به جهت قبله خواندی.

تنبيه چهارم : مَاتِيَّ به هنگام علم به مطابقت با واقع کفایت میکند

گفتیم اگر نمیدانی قبله کدام طرف است ، باید به چهار جهت بخوانی ، حالا به جهت اول که خواندی ، به جهت دوم هم که خواندی ، یکی وارد میشود و میگوید قبله همین طرف است ؛ آیا چون از قبل عقل بهت گفته بود به چهار جهت باید بخوانی ، حالا که علم پیدا کردی که یکی از این دو جهت واقع بود ، لازم است دو جهت دیگر را بخوانی یا نه؟ شیخ انصاری رحمه الله میگوید نه لازم نیست و همان دو جهتی که خوانده شده کفایت میکند.

تنبيه پنجم : شبهه ی وجوبیه ی موضوعیه ، تقسیم میشود به محصوره و غیر محصوره

شیخ انصاری رحمه الله میگوید در شبهات محصوره ، احتیاط واجب است و مخالفت قطعیه حرام است. مثلاً دو لباس داری که میدانی یکی از این دو تا لباس نجس است اما نمیدانی دقیقاً کدامیک نجس است ، در اینجا واجب است احتیاط کنی و با هر دو لباس ، نماز بخوانی تا خیالت راحت شود که نمازت را درست و با لباس پاک خواندی ؛ و ترک هر دو در اینجا موجب مخالفت قطعیه میشود یعنی نمیتوانی با هیچکدام از دو لباس نماز نخوانی و کُلَّاً نماز را ترک کنی.

شیخ انصاری رحمه الله در شبهات غیر محصوره ، قائل به تفصیل میشود :

۱- در تردد در خود واجب (شک در ذات واجب) ، قطعاً مخالفت قطعیه حرام است به دلیل معصیت بودن ؛ اما در مورد موافقت قطعیه باید بگوییم که اگر مکلف توان انجام همه ی اطراف را دارد و احتیاط ممکن است ، در اینجا بنای عقلاء این است که واجب است به قدری که مستلزم عسر و حرج نشود ، آن اطراف را انجام دهد زیرا در شبهه ی غیر محصوره ، اطراف شبهه زیاد است ؛ اما اگر حالتی بود که انجام بعضی از اطراف شبهه غیر ممکن بود و از دسترس ما خارج بود ، در اینجا بنای عقلاء این است که واجب است بقیه ی احتمالاتی که امکان انجامش هست را انجام دهد.

۲- در تردد در شرط واجب ، احتیاط واجب نیست چون نهایت اتفاقی که در اینجا میوفتد ، این است که آن شرط مشکل پیدا میکند ، و لذا آن شرط ساقط میشود و باید آن واجب را ، بدون آن شرط ، انجام دهیم.

مثال شبهه ی غیر محصوره : گوسفندی که موطئه ی به انسان است و در بین هزاران گوسفند دیگر ، گم و گور شده است.

تنبيه ششم : امثال اجمالی مجزی است از امثال تفصیلی

حالا که ما باید به علم اجمالی خود مقید باشیم و آن را رعایت کنیم ، آیا در جایی که من میدانم وظیفم کدامیک از این دو نماز است و هر دو را خواندم ، مجزی از آن حالتی است که علم تفصیلی دارم که بعینه مثلاً نماز ظهر واجب است؟ شیخ انصاری رحمه الله میگوید بله مجزی است و کفایت میکند چون علم ، حجت است چه اجمالی باشد و چه تفصیلی ؛ ضمن اینکه شما وقتی به علم اجمالی خود عمل کردی و احتیاط کردی و هر دو نماز را خواندی ، دیگر میدانی که بالاخره واقع انجام شده.

گفتیم در شبهه ی وجوبیه ی شک در مکلف^۲ به ، ما در سه حالت بحث داریم :

۱- دوران بین متباینین : که توضیحاتش گذشت.

۲- دوران بین اقل و اکثر

در دوران بین اقل و اکثر ، ما چهار تا مسئله داریم :

۱- مسئله ی اول : فقدان نص : من میدانم که نمازی بر گردنم واجب است ، ولی نمیدانم در مقام اتیان ، این مکلف^۲ به نه جزئی را باید انجام دهم؟ یا اینکه این استعاذه یا جلسه ی استراحت هم جزء نماز من است و مکلف^۲ به من ده جزئی است؟

اقل و اکثر ارتباطی ، این است که اگر در واقع ، اکثر واجب باشد و ما اقل را انجام دهیم ، کفایت نمیکند. مثال اقل و اکثر ارتباطی : اگر نمازی را بخواهیم بخوانیم که ده جزئی باشد و ما اقل را انجام دهیم یعنی یک جزء را انجام ندهیم ، کُلّ نماز باطل است.

مثال اقل و اکثر استقلالی : اگر شک کند که صد تومن بدهکار است یا صد و ده تومن ، اگر صد تومن داده باشد ، به اندازه ی صد تومن ، ذمه اش بری است.

شیخ انصاری رحمه الله در اینجا قائل به برائت میشود نسبت به اکثر و جزء مشکوک ؛ زیرا این جزء مشکوک ، از مصادیق ما لا یعلمون است ؛ ضمن اینکه در اینجا به دلیل عقل ، ما میرویم سراغ قبح عقابِ بلا بیان.

شیخ انصاری رحمه الله میفرماید در بحث اقل و اکثر ، علم اجمالی ما مُنَحَل میشود به یک علم تفصیلی نسبت به اقل ، و یک شک بدوی نسبت به اکثر ؛ مثلاً آنجایی که شما نمیدانید جزء دهم هم جزء نماز هست یا نه ، در حقیقت نسبت به آن نه جزء علم تفصیلی داری ، پس اینور که مطمئن را بگذار کنار و بیا سراغ جزء مشکوک ، حال میگوییم آیا این جزء مشکوک و این جلسه ی استراحت (یک لحظه نشستن بعد از سجده ی دوم) جزء نماز هست یا نیست؟ شیخ انصاری رحمه الله میگوید علم اجمالی شما در اینجا مُنَحَل شد به یک علم تفصیلی به آن قَدَرِ متیقّن اقل ، و نسبت به آن جزء مشکوک و اکثر ، برائت جاری میکنی چون شکت ، شک بدوی است و طبق قاعده ، در جایی که ما نسبت به اصل شرطیت و جزئیت چیزی شک داشته باشیم ، باید برائت جاری کنیم.

در بحثِ متباینین ، تا آخرین لحظه هم علمِ اجمالی بر سرِ جای خود باقی بود و لذا باید احتیاط میکردیم زیرا اشتغالِ یقینی يستدعی الفراغِ یقینی ؛ اما در بحثِ اقل و اکثر ، چون علمِ اجمالی مُنحل میشود ، دیگر نسبت به اکثر ، برائت جاری میکنیم.

شیخ انصاری رحمه الله میگوید اگر کسی این دلایل عقلی که برای برائت ذکر کردیم را نپذیرفت ، به حدِ کافی و به قدرِ وفور ، ادله ی نقلی داریم که به پشتوانه ی آن ادله ی نقلی ، نسبت به آن جزء مشکوک ، برائت جاری کنیم ؛ آن ادله ی نقلی ، ادله ی برائتِ شرعی میباشند ؛ مثل ۱- حدیث حَجَب : ما حَجَبَ اللهُ علمه عن العباد ، فهو موضوع عنه. ۲- حدیثِ سَعِه : الناس في سَعِه ما لا يعلمون. ۳- حدیثِ رَفَع.

صغری : ما لا يعلمون ، مرفوع^{۸۸} عنه است ؛ هر چه را شما نمیدانید ، اَزت برداشته شده. کبری : اکثر از مصادیقِ ما لا يعلمون است. نتیجه : اکثر ، مرفوع^{۸۸} عنه است.

شیخ انصاری رحمه الله میگوید نسبت به حدیثِ حَجَب و حدیثِ سَعِه ، همه میگویند آنچه که مرفوع است ، مؤاخذه است ؛ اما نسبت به حدیثِ رَفَع ، مشهور میگویند منظور از رَفَع ، همان مؤاخذه و عقابِ اُخروی نسبت به ترک است ؛ اما بعضی ها میگویند منظور ، جمیع آثار است ؛ شیخ انصاری رحمه الله میگوید هر کدام را که حساب کنی ، باز هم برای جاری کردنِ برائت در اینجا مشکلی پیش نمی آید.

مخالفینِ شیخ انصاری رحمه الله مثلِ محقق سبزواری رحمه الله میگویند در اینجا باید احتیاط کرد.

۱- دلیل اول : در اینجا مانند متباینین ، مقتضی برای احتیاط موجود است و مانع احتیاط مفقود است.

نقد شیخ انصاری رحمه الله به دلیل اول : علم اجمالی در اینجا منحل میشود و نسبت به اکثر ، جهل تفصیلی پیش می آید یعنی من نمیدانم که این جزء مشکوک ، واجب است یا نه. جهل تفصیلی عقلاً مانع از تعلّق تکلیف به اکثر است بخاطر قبح عقاب بلایان. پس در اینجا مانع داریم و مانع ، جهل تفصیلی است. البته برای خود احتیاط ، مانعی وجود ندارد و احتیاط حسن است اما وجوب شرعی ندارد و بحث ما همین است که آیا احتیاط در اینجا وجوب شرعی دارد یا نه.

۲- دلیل دوم : استصحاب اشتغال ذمه : مکلف قبل از اینکه نماز بخواند یقین داشت که شرع مقدس از او خواندن یک نماز را مطالبه کرده پس مکلف اشتغال یقینی دارد ؛ حال می آید یک نماز میخواند ، در اینجا در خواندن نماز ، امر تعلّق میگیرد به اینکه این نماز را با جزء مشکوک بخواند یا بدون جزء مشکوک؟ اگر با جزء مشکوک بخوانی ، هر چه که احتمال میدادی خواندنش لازم است را خواندی پس یقین پیدا میکنی به اینکه آن اشتغال یقینی انجام شده. اما اگر اکتفا کردی به اقل و جزء مشکوک یعنی اکثر را نخواندی ، در اینجا استصحاب اشتغال ذمه به شما میگوید ذمه ات هنوز بری نشده پس دوباره نماز را با آن جزء مشکوک بخوان. ارکان استصحاب : یقین داشتنی نمازی بر گردنت واجب است ، آمدی یک نماز نه جزئی خواندی ولی احتمال میدادی که نماز ده جزء است یعنی نماز را بدون آن جزء مشکوک خواندی ، در اینجا یقین سابق داری ؛ حال بعد از خواندن نماز و اکتفا به اقل ، شک پیدا میکنی ذمه ات بری شده یا نه ؛ ابقاء مکان میکنی و

میگویی ذمه ی من همچنان باقی است. بنابراین واجب است شما به اقل اکتفا نکنی بلکه احتیاطاً اکثر را هم انجام بدهی.

نقد شیخ انصاری رحمه الله به دلیل دوم : بعد از انحلال علم اجمالی و حکم عقل به قُبْح عقاب در اکثر ، تمسک به استصحاب معقول نیست زیرا عدم استحقاق عقاب ، اثر خود شک است نه مشکوک تا استصحاب جاری شود ؛ و لذا چنین استصحابی ، اصل مثبت است یعنی استصحاب یک دلیل شرعی است و من را متعبد به حکم ظاهری میکند و من فقط آثار شرعی را میتوانم بر آن بار کنم و در اینجا اتفاقی که افتاد ، اثر عقلی است و اثر عقلی ، استصحاب شرعی برای شما درست نمیکند.

۳-دلیل سوم : خود قاعده ی اشتغال : شمای مکلف یقین داری که نمازی به گردنت واجب است ، باید به گونه ای این نماز را بخوانی که خیالت راحت شود که تکلیف را انجام دادی ، حال اگر بدون جزء مشکوک خواندی و اکتفا کردی به اقل ، خیالت راحت نمیشود ؛ پس به اقتضای اشتغال یقینی يستدعی الفراغ یقینی ، میگوییم باید احتیاط کرد و اکثر را نیز انجام داد.

نقد شیخ انصاری رحمه الله به دلیل سوم : جهل تفصیلی ما به وجوب جزء مشکوک ، مانع جریان قاعده ی اشتغال است زیرا علم اجمالی ما منحل میشود به یک قدر متیقن و ما نسبت به آن قدر متیقن ، اشتغال یقینی داریم که آن را هم اِتیان کرده ایم و آن مقدار اقل را انجام داده ایم.

۴-دلیل چهارم : به اقتضای مفاد ادله ی اشتراط الاحکام بین الحاضر و الغائب ، ما هم به همان تکالیف حاضری در زمان جعل احکام ، مکلفیم.

نقد شیخ انصاری رحمه الله به دلیل چهارم : دلیل اینکه حاضرین باید آن جزء را انجام میدادند ، علم تفصیلی آنهاست ولی ما علم اجمالی داریم.

۵-دلیل پنجم : مقدمه ی اول : در ترکِ اکثر و جزءِ مشکوک ، احتمالِ عقابِ أُخروی است. مقدمه ی دوم : احتمالِ عقابِ أُخروی ، عقلاً واجبُ الدفع است. نتیجه : آن محتملُ الوجوب باید انجام شود.

نقد شیخ انصاری رحمه الله به دلیل پنجم : علم اجمالی مُنحل میشود به یک قدرِ متیقّن و شک بدوی ؛ آن قدرِ متیقّن را ما انجام میدهیم و در شک بدوی هم قاعده ، برائت است.

۶-دلیل ششم : چون احتمالِ وجوبِ اکثر را میدهیم ، و در وجوبِ نفسی اقل که موردِ قصدِ قربت است ، شک داریم لذا نمیتوان قصدِ قربتِ جزمی به اقل داشت. پس باید احتیاط کنیم و اکثر را انجام دهیم.

نقد شیخ انصاری رحمه الله به دلیل ششم : اتفاقاً ما نسبت به آن جزءِ اقل یقین داریم و با همان قصدِ قربت میکنیم.